



۲۰۱۶/۱/۲۵

حنیف رهیاب رحیمی

فیصله هیأت سه نفری طنز

در ظرف یکساعت ده چهار کنج وزارت آوازه تیت شد که خوشدل خان مدیر عمومی بخش صادرات روده و پوست یک کانتینر روده را بطور خصوصی بفروش رسانیده و پول آنرا به جیب خود زده. رئیس به مجردیکه ذریعه جواسیس خاص خود از موضوع خبر شد، یک هیأت سه نفری را تعیین کرد تا در زمینه تحقیق کنند و فوراً رئیس عمومی را از موضوع مطلع ساخت.

رئیس عمومی برای اینکه یک فعالیت از خود نشان داده و در ضمن توجه دیگران را از دزدی ها و اختلاس های خود، بسوی دیگر بلغزانند، فوراً یک هیأت سه نفری متشکل از افراد مورد اعتماد خود را برای بر رسی موضوع و همکاری با هیأت اولی تعیین نمود و موضوع را رسماً به بالا خبر داد.

معین که در سابق رشته و مسلک اش کنترل و نظارت از میدان سگ جنگی بود و اکنون به اساس تقسیمات عادلانه! چوکی ها و پست های بلند از جانب بزرگان دین و دولت به این منصب منسوب شده بود، لازم دید یک هیأت سه نفری از افراد لندغر تور و پیشش تعیین و برای نظارت هیأت های قبلی و معلوم نمودن اصلیت قضیه،



اعزام کند و در عین زمان فوراً موضوع را به اطلاع وزیر رسانید.

وزیر که از موضوع خبر شد، ناراحتی و پریشانی شدید بر سر و زیرش مستولی گشت و برای دستگیری خوشدل خان بیچاره موقف بسیار جدی گرفت، زیرا از یکطرف به بسیار قیمت گزاف و هزار کله کچی و رشوت و واسطه از پارلمان رأی اعتماد گرفته بود و از طرف دیگر، بعد از اینکه عکس یک قوماندان پکول دار را در دیوار دفتر خوشدل خان دیده بود از او سخت بدش می آمد، بناً برای همچو یک بهانه چشم درد می گشت تا این خاین را که خوشبختانه کدام بازخواست گر و حمایتگر هم در بالا ها نداشت هر چه زود تر به پنجه قانون تحویل دهد و به کيفر اعمالش برساند.

برای این مقصد فوراً یک هیأت سه نفری از رئیس های ادارات که همه خویشاوندان خودش و یا از خانمش بودند، تعیین نمود تا قضیه را از نزدیک و بطور قانونی ارزیابی نموده، راپور دهند.

از روز اول که هیأت های مسئول و وظیفه شناس بخاطر رسیدگی به اختلاس مدیر خوشدل خان به پایین و بالا دویدن شروع نمودند، الی فیصله نهایی که بوسیله هیأت عالیرتبه آخری صورت گرفت، شش ماه وقت تیر شد. در طول این مدت هیأت های مؤظف عرق ریختند، چای نوشیدند، خون دل خوردند، کیک و کلچه و کشمش و جلعوزه صرف نمودند، سرگردانی و سر دردی ها را متحمل شدند و پول هنگفتی را در رفت و آمد و کرایه طیاره بمصرف رسانیدند تا بالاخره در مورد مدیر صاحب خوشدل خان به یک فیصله ای که تمام طرفین در آن اتفاق نظر داشتند، رسیدند.

مصارف بالا و پایین دویدن های ۱۲ نفر هیأت در شش ماه کم و بیش یک صد هزار افغانی گردید و در اخیر هیأت های ۳ نفری کله به کله شده و فیصله زیر را صادر نمودند:

(چون معاش خوشدل خان تکافوی مصارف خانه و عیالش را نمی کرده، عیالداري مدیر صاحب خوشدل خان به همکاری یک درجن اولادش، در طول تابستان زحمت کشیده و مثل هر سال، یک موتر هیزم و مواد سوخت از فضلہ حیوانات شان تهیه نموده و مدیر صاحب خوشدل خان آنرا در همانروز بفروش رسانیده بود که کدام شخص شیطان و بدخواه اش آن معامله خرید و فروش هیزم و پول گرفتن را دیده، راپور غلط را به بالا انتقال داده است).

(پایان)

